

عنوان مقاله:

زمینه های معرفت شناختی امتناع جامعه شناسی و تاریخ نگاری ادبی در قرون میانی: تحلیل دیرینه شناختی تذکره نویسی ادبی

محل انتشار:

مجله نقد و نظریه ادبی، دوره 3، شماره 2 (سال: 1397)

تعداد صفحات اصل مقاله: 22

نویسندگان:

محمدحسین دلال رحمانی - دانشجوی دکتری جامعه شناسی دانشگاه یاسوج

اصغر میرفردی - دانشیار جامعه شناسی و عضو هیات علمی بخش جامعه شناسی و برنامه ریزی اجتماعی دانشگاه شیراز

مریم مختاری - دانشیار جامعه شناسی و عضو هیات علمی گروه جامعه شناسی دانشگاه یاسوج

خلاصه مقاله:

تا پیش از ظهور تاریخ نگاری ادبی در یک سده اخیر، سنت تذکره نویسی ادبی به موضوع زندگی و آثار شاعران می پرداخت. این مقاله با رویکردی دیرینه شناختی، در پی توصیف قواعد دانش تذکره نویسی در قرون میانی است. بررسی حاضر نشان می دهد که تذکره نویسی، بنا به خصایص گفتمانی قرون میانی، توجهی به ارائه جزئیات زندگی شاعران ندارد و برای دسته بندی شاعران از اصل شباهت بهره می گیرد. این سنت با تعریفی خدای گونه از شاعر، شعر را مستقل و رها از شرایط تاریخی-اجتماعی و حاصل آگاهی و قصد شاعر تلقی می کند. اعتقاد به آگاهانه و ارادی بودن شعر، بر بنیانی مذهبی و تلاشی برای تاکید بر تمایز آن با وحی الهی استوار است. این قواعد، به طور مشخص در تقابل با تاریخ نگاری ادبی و جامعه شناسی ادبیات قرار دارد. در هر دو مورد اخیر، متن ادبی به مثابه امری تصویر می شود که شامل وجهی ناآگاهانه است که به واسطه شرایط تاریخی-اجتماعی به متن وارد می گردد. اعتقاد به آگاهانه و ارادی بودن شعر را می توان به عنوان مانعی معرفت شناختی در مقابل ظهور تاریخ نگاری ادبی و جامعه شناسی ادبیات قلمداد کرد که تنها با گسست از سنت تذکره نویسی و ظهور گفتمانی تازه از میان برداشته شد.

کلمات کلیدی:

دیرینه شناسی، قاعده، تذکره نویسی، تاریخ نگاری ادبی، جامعه شناسی ادبیات

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1614907>

